

دکتر حمید حمیدیان ۱

ودیعہ طهماسب پور ۲

## چکیده:

نفقه فرزندان در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران، نهادی حمایتی است که با هدف تأمین نیازهای اساسی طفل پیش‌بینی شده است. با وجود آنکه قانون مدنی برخی مصادیق نفقه اقارب را احصا کرده، شمول هزینه‌های بهداشت و درمان، به‌ویژه درمان‌های روانی و جراحی‌های زیبایی، ذیل عنوان نفقه به‌طور صریح تبیین نشده است. این سکوت تقنینی، در پرتو تحولات اجتماعی و پزشکی، موجب بروز ابهام و اختلاف نظرهای فقهی و حقوقی گردیده است. مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که آیا و تحت چه شرایطی هزینه‌های درمان جسمی، روانی و جراحی‌های زیبایی می‌توانند در قلمرو نفقه فرزندان قرار گیرند.

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با اتکاء به منابع فقه امامیه، دکترین حقوقی و مقررات قانون مدنی ایران انجام شده است. نوآوری پژوهش در ارائه تحلیلی عرف‌محور از مفهوم نفقه درمانی و تفکیک میان هزینه‌های درمانی ضروری و هزینه‌های صرفاً تجملی، با تأکید بر جایگاه جراحی‌های زیبایی نهفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد هزینه‌های درمانی ضروری که ترک آن‌ها موجب عسر و حرج یا تهدید سلامت جسمی و روانی فرزند می‌شود، در صورت احراز تمکن مالی منفق، با توجه به فلسفه حمایتی نفقه، می‌توانند از مصادیق نفقه قابل مطالبه محسوب شوند. در مقابل، هزینه‌هایی که فاقد ضرورت عقلایی و عرفی هستند، اصولاً خارج از قلمرو نفقه قرار می‌گیرند. در نهایت، پژوهش نتیجه می‌گیرد که با استناد به قواعد فقهی لاضرر و نفی عسر و حرج و با تفسیر موسع و عرف‌محور از مقررات قانونی، و هم‌زمان با لحاظ توان مالی منفق، می‌توان هزینه‌های بهداشت و درمان را به‌منظور رعایت مصلحت طفل ذیل عنوان نفقه فرزندان مورد بررسی قرار داد.

**واژگان کلیدی:** نفقه ی اقارب ، ضرورت درمان ، سلامت روان ، عرف ، تمکن منفق ، رینوپلاستی

۱- استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، ایمیل:

h.hamidian@umz.ac.ir

۲- دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، ایمیل:

vadieh1381@gmail.com

## مقدمه :

حق مطالبه ی نفقه از بنیادی ترین نهاد های حمایتی است که در نظام حقوقی ایران برای امرار معاش فرزندان در نظر گرفته شده است و تاریخچه ی این حق به منابع فقهی و کتب دینی ما بر می گردد .

به لحاظ اهمیتی که نفقه در تامین نیاز های مالی فرزندان و حفظ سلامت جسمانی و روانی آنها دارد ، هم در قوانین ایران و هم در منابع فقهی متعدد به این مسئله اشاره شده است ؛ به این صورت که هم از منظر فقه امامیه (شهید ثانی ، ۱۴۱۰ ، ج. ۵ ، ص. ۴۷۳ ) و هم در نظام حقوقی ایران مطابق ماده ۱۱۹۹ ق.م. ، والدین و به ویژه پدر ؛ مکلف هستند نیاز های اساسی فرزندان را متناسب با وضعیت اقتصادی خود و رعایت مصلحت و شأن فرزندان ، فراهم نمایند . ( مصباح یزدی ، بی تا ، ص. ۲۳۹ ) در خصوص نفقه ی فرزندان ، مقدار و شیوه ی تعیین مصادیق آن ، اگرچه در گذشته نیز پژوهش هایی انجام شده است ، اما در حوزه نفقه ی درمانی فرزندان با تفکیک میان جراحی های ضروری و غیر ضرور ، تاکنون تحقیقاتی صورت نگرفته است و نوآوری این پژوهش بررسی قابلیت مطالبه ی هزینه های بهداشت و درمان فرزندان ، اعم از جراحی های درمانی و زیبایی با تکیه بر تحلیلی عرف محور و منطقی می باشد .

مطابق ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی ، نفقه ی فرزند شامل : مسکن ، البسه ، غذا و اثاث البیت به اندازه ی رفع حاجت می باشد ، منتها به نظر می رسد که مصادیق مذکور در این ماده حصری نیست و شامل هزینه ی درمان و معالجه در حد متعارف نیز می شود ( اکبری ، ۱۳۹۴ ، ص. ۵۶ ) زیرا مداوای مرض و حفظ سلامت جسمی ، از حقوق شرعی فرزندان بر پدر و مادر محسوب می شود که در منابع فقهی نیز به آن اشاره شده است ( محسنی ، ۱۳۸۷ ، ص. ۹۱ ) و در مقررات نظام حقوقی ایران نیز بموجب ماده ۱۱۶۸ ق.م. نگهداری کودک در زمره تکالیف والدین قرار گرفته که به نظر می رسد این نگهداری شامل حفظ سلامت جسمانی کودک و تربیت اخلاقی او می شود ؛ زیرا نفقه یک تعهد مالی قابل مطالبه است و حضانت نیز یک تکلیف مراقبتی برای والدین است که می تواند مؤید توسعه ی مفهوم نفقه به منظور حفظ سلامت فرزندان باشد . بنابراین در بحث وجوب پرداخت نفقه ی فرزندان ، در حد رفع حوائج ضروری آنها و به قدر توان مالی انفاق کننده تردیدی وجود ندارد ، اما آنچه در این میان مبهم است و محل بحث قرار می گیرد این است که حدود تکلیف پدر در پرداخت نفقه ی فرزندان در حوزه ی بهداشت و درمان می باشد ، چرا که قانونگذار به طور صریح ضابطه ای در این خصوص معین ننموده و این خلاء قانونی منجر به ایجاد چالش هایی در تعیین حدود نفقه ی فرزندان در حوزه بهداشت و درمان و بالاخص جراحی های رینوپلاستی شده است . لذا در حال حاضر با این پرسش مواجه هستیم که هزینه ی بهره مندی از خدمات درمانی تا چه میزان ذیل عنوان نفقه قرار میگیرد و قابلیت مطالبه ی آن برای فرزندان وجود دارد ؟ و اینکه آیا هزینه ی جراحی های رینوپلاستی که معمولاً غیر ضرور هستند و به منظور ارتقای جذابیت ظاهری انجام می شوند نیز میتوانند از مصادیق نفقه ی فرزندان و قابل مطالبه باشند ؟

به منظور طرح فرضیه هایی برای سوالات فوق باید در نظر داشت که در گذشته جراحی های زیبایی یا وجود نداشت و یا انجام آن توسط اشخاص ، بسیار محدود و نامتعارف بود . اما امروزه بخش قابل توجهی از خدمات پزشکی و جراحی ها ، عرفاً رایج محسوب می شوند که دسته ای از جراحی ها جنبه ی درمانی دارند و از مصادیق این گونه جراحی ها می توان به جراحی سیتوپلاستی جهت درمان انحراف بینی ، رفع افتادگی پلک و اصلاح ناهنجاری های مادرزادی ، اشاره کرد و دسته ی

دیگر هم اگرچه ظاهراً غیر ضرور به نظر می‌رسند، تاثیر قابل توجهی در رفع آسیب‌ها و فشارهای روانی و افزایش اعتماد به نفس افراد دارند، مثل جراحی رینوپلاستی، لیپوماتیک و لیفت صورت. در این خصوص باید اشاره کرد که با گذر زمان امروزه با تغییر معیارهای زیبایی، گاهی عدم انجام جراحی‌های زیبایی، فرزندان را در معرض تمسخر، انزوا و گوشه‌گیری، کاهش اعتماد به نفس یا آسیب‌های روحی و روانی قرار می‌دهد و مسئله‌ی حفظ سلامت روانی و جسمانی کودک نیز همانطور که سابقاً اشاره نمودیم از مسئولیت‌های مهم والدین در جهت نگهداری از فرزند محسوب می‌گردد.

در این پژوهش نگارنده سعی دارد با بررسی منابع فقهی و حقوقی و مقررات قانونی و شرح دیدگاه فقها و حقوقدانان، ابهاماتی را که درخصوص این موضوع وجود دارد برطرف نموده و با توجه به تحولات اجتماعی و نیازهای جدید، راهکارهایی را برای تبیین صحیح این مسئله ارائه دهد و امید است که این پژوهش بتواند به روشن‌تر شدن ابعاد مختلف این موضوع و ارائه راه‌حل‌های متناسب با چالش‌های موجود کمک کند.

## ۱) کلیات

### ۱-۱ مفهوم شناسی:

به منظور آشنایی با موضوع پژوهش و به عنوان مقدمه‌ی ورود به مباحث بعدی در ابتدای امر محقق به تعریف لغوی، فقهی و حقوقی اصطلاح "نفقه" می‌پردازد.

نفقه در لغت به معنای هزینه، خرج، اخراجات، مایحتاج معاش و خرج هر روزه است و به آنچه اطلاق می‌گردد که به عیال و اطفال خورش دهند و روزمره‌ای که برای زن و فرزند و اهل و عیال مقرر کنند. (دهخدا، ۱۳۷۳، ج. ۱۳، ص. ۲۰۱۹)

در فقه نفقه به معنای مالی است که برای ادامه‌ی زندگی، برحسب حال اشخاص لازم است و آن عبارت است از خرج خوراک، پوشاک و مسکن. و موجبات وجوب انفاق در فقه، زوجیت، قرابت و مالکیت هستند. (تتھوی، ۱۳۷۵، ص. ۱۷۲۱)

و در اصطلاح حقوقی نیز، نفقه‌ی اقارب عبارت است از صرف هزینه خوراک، پوشاک و اثاث خانه و جامه بقدر رفع حاجت و استطاعت انفاق کننده. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ص. ۷۱۸)

در یک نگاه کلی به نظر می‌رسد که میان مفاهیم لغوی، فقهی و حقوقی نفقه وجوه اشتراکی دیده می‌شود و به گونه‌ای می‌توان گفت معانی فوق از حیث اینکه مخارج و هزینه‌ی نیازهای زندگی متعارف را ذیل عنوان نفقه پذیرفته‌اند، با هم همپوشانی دارند. پس از آشنایی کلی با معنای این واژه، در بخش بعدی به بیان مصادیق آن مطابق با مواد قانونی و منابع فقهی می‌پردازیم.

## ۱-۲ محتوا و ماهیت نفقه :

طبق ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی : نفقه ی اقارب عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث‌البیت به قدر رفع حاجت که برخی از فقها ماهیت این نفقه را حق و تکلیف دانسته اند . (فیروزگاه ، ۱۴۰۲)

در مقابل برابر ماده ۱۱۰۷ قانون اخیر الذکر ، نفقه ی زوجه عبارت است از : همه ی نیاز های متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن البسه غذا اثاث منزل و هزینه های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه ی نقصان یا مرض . چنانچه اشاره کردیم ، نفقه ی اقارب مطابق ماده ۱۲۰۴ ق.م.تنها شامل مسکن ، البسه ، غذا و اثاث‌البیت می‌شود . با نظر به نص ماده درمی‌یابیم که دامنه ی موارد نفقه ی زوجه مطابق قانون گسترده تر از نفقه ی اقارب می‌باشد ، و در رابطه با این موضوع اختلاف نظر وجود دارد . اما آنچه منطقی به نظر می‌رسد این است که اختلاف در مصادیق نفقه ی زوجه و اقارب ظاهری بوده و آنچه در خصوص نفقه ی اقارب نام برده شده حصری نیست و نفقه در اصل شامل چیزهایی می‌شود که بر حسب متعارف مورد نیاز شخص است . (کیایی ، ۱۳۸۸ ، ص. ۵۸۴) برخی حقوقدانان قائل بر این هستند که هزینه های بهداشت و درمان نیز در حد رفع حاجت و به میزان متعارف برای اقارب و از جمله ی آنها ، فرزندان ؛ ذیل عنوان نفقه قابل مطالبه می‌باشد ( صفایی و امامی ، ۱۳۸۶ ، ص. ۳۹۵)

در نظام حقوقی ایران غالب نویسندگان مشهور در بحث حقوق خانواده ، مصادیق نفقه را محصور در مواد قانون ندانسته اند و معتقدند آنچه در قانون آمده است به عنوان نمونه و مثال هایی از مهم ترین نیاز های زندگی است و لذا جنبه ی انحصاری ندارد . (کاتوزیان ، ۱۳۸۹ ، ج. ۲ ، ص. ۳۱۳)

در فقه نیز مقدار نفقه ی اقارب به صورت دقیق مشخص نشده است ولی اکثریت فقها هزینه ی اعفاف یا ازدواج فرزند را جزء نفقه ندانسته اند ( مکارم شیرازی ، ۱۴۲۴ ، ص. ۱۰۰) برخی از فقها نفقه ی قابل مطالبه برای فرزندان را محصور در مقدار قوت شبانه روز و نیاز های اضطراری زندگی می‌دانند . (فاضل لنکرانی ، ۱۴۲۱ ، ج. ۱ ، ص. ۶۱۰) و در مقابل غالب فقها از جمله شهید ثانی در کتاب مسالک الافهام ( شهید ثانی ، ۱۴۱۳ ، ج. ۸ ، ص. ۴۸۸) و صاحب جواهر در کتاب جواهر الکلام ( النجفی الجواهری ، بی تا ، ج. ۳۱ ، ص. ۳۷۶) میزان نفقه را بر مبنای عرف و عادت مسلم و مایحتاج زندگی متعارف تعیین نموده اند و برخی نیز معتقدند که پرداخت نفقه ی فرزندان مانند نفقه ی زوجه به میزان کفایت واجب است (خمینی ، ۱۳۹۰ ، ج. ۲ ، ص. ۳۲۱) به علاوه در برخی منابع قید شده که اگرچه نفقه اندازه ی معینی ندارد ، اما آنچه واجب است مقدار کفایت از خوراک ، لباس و مسکن می‌باشد و با ملاحظه ی حال ، شأن و زمان و مکان بایستی پرداخت شود و به عنوان ضابطه ی کلی در پرداخت نفقه ، بایستی نیاز های متعارف لحاظ شود . (گلپایگانی ، ۱۴۰۹ ، ج. ۲ ، ص. ۱۷۹)

همچنین این دیدگاه نیز وجود دارد که نفقه ی اقارب شامل آن چیز هایی می‌شود که شخص به آن احتیاج دارد و حتی اگر شخص انفاق کننده با وجود تمکن مالی از پرداخت این هزینه ها امتناع نماید(قمی ، بی تا ، ج. ۲ ، ص. ۳۵۹) ، شخص مستحق نفقه میتواند او را از طریق حاکم شرع اجبار به پرداخت نماید (خمینی ، ۱۳۹۲ ، ج. ۳ ، ص. ۱۹۸) و یا از اموال او به قدر احتیاج بردارد!(علامه حلی ، ۱۴۲۰ ، ج. ۴ ، ص. ۴۳)

با بررسی مجموع نظریات فقهی و حقوقی فوق ، و باتوجه به آنچه در قانون مقرر شده ، به دیدگاه نگارنده پذیرش این نظر که مصادیق موجود در قانون به عنوان نفقه ، حصری نبوده و قانونگذار آنها را به صورت تمثیلی مطرح نموده ، منطقی تر و متناسب با عرف جامعه و احوال فرزند می باشد ، زیرا اکتفا به موارد مقرر در ماده ۱۲۰۴ ق.م منجر به عسر و حرج شخص واجب النفقه برای داشتن یک زندگی متعارف و محرومیت او از دریافت هزینه های بهداشت درمان خواهد بود که این موضوع مغایر با اصول و قواعد دینی و فقهی از جمله قاعده ی "نفی عسر و حرج" و قاعده ی "لاضرر" می باشد .

از سوی دیگر تکلیف والدین بر رعایت مصلحت فرزندان و نگهداری از آنها نیز ایجاب می نماید که مصادیق مذکور در قانون به عنوان نفقه را حصری ندانیم ، چرا که اگر به مصادیق ماده ۱۲۰۴ ق.م اکتفا کنیم ، تنها مسکن ، البسه ، غذا و اثاث البیت ذیل عنوان نفقه برای فرزندان قابل مطالبه می باشند و نفقه شامل هزینه های درمان نمی شود ! در حالی که از اساسی ترین نیاز ها و حقوق فرزندان نسبت به والدین ، برخورداری از خدمات درمانی و بهداشتی به منظور حفظ سلامت جسمانی و روحی آنها می باشد .

### ۱\_۳ انواع نفقه :

نفقه از حیث نوع ، مطابق با مقررات قانون مدنی ، به دو دسته کلی نفقه زوجه و نفقه اقارب تقسیم می شود که به ترتیب در مواد ۱۱۰۷ و ۱۲۰۴ قانون مدنی به آنها اشاره شده است و نفقه فرزندان نیز ذیل نفقه اقارب و در چارچوب خویشاوندی در خط عمودی و به صورت نزولی مورد بررسی قرار می گیرد .

در ابتدای بررسی لازم است به این نکته اساسی توجه شود که هر یک از انواع نفقه ، دارای ماهیت حقوقی مستقل و احکام خاص خود بوده و نمی توان مقررات ناظر بر یکی را بدون قید و شرط به دیگری تسری داد . تفاوت در شرایط استحقاق ، دامنه شمول ، آثار حقوقی و حتی قابلیت مطالبه نفقه ، از جمله مواردی است که تمایز میان نفقه زوجه و نفقه اقارب را برجسته می سازد . از جمله تفاوت های نفقه ی زوجه و اقارب ، می توان به موارد ذیل اشاره کرد :

نفقه زوجه ، به موجب عقد نکاح دائم ، بر عهده زوج قرار می گیرد و تحقق آن منوط به وجود رابطه زوجیت دائم و تمکین زوجه از شوهر است . مطابق مبانی فقهی و مواد قانونی ، اصل بر استحقاق زوجه به نفقه است و نیازمندی یا عدم نیاز مالی او تأثیری در این حق ندارد ؛ به بیان دیگر ، نفقه زوجه ماهیتی تعبدی و مبتنی بر عقد نکاح دارد و نه صرف نیاز مالی . به همین دلیل ، حتی در صورتی که زن دارای تمکن مالی باشد ، مادامی که تمکین می نماید ، حق مطالبه نفقه را خواهد داشت .

در مقابل ، نفقه اقارب از جمله فرزندان بر پایه نیازمندی منفق علیه و تمکن مالی منفق استوار است . در این نوع نفقه ، احراز فقر و عدم توانایی مالی اقارب برای تأمین هزینه های زندگی شرط اساسی به شمار می آید و در عین حال ، شخص مکلف به پرداخت نفقه نیز باید از توانایی مالی کافی برخوردار باشد . بنابراین ، نفقه اقارب واجد جنبه حمایتی آشکارتری بوده و ارتباط مستقیم تری با اصل تعاون خانوادگی دارد . ( کریمی و نوروزی ، ۱۳۹۸ )

نفقة فرزندان در قالب نفقه اقارب و در خط عمودی نزولی قرار می‌گیرد و مطابق ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی، پرداخت نفقه اولاد در درجه نخست بر عهده پدر و در صورت عدم توانایی او، بر عهده اجداد پدری و سپس مادر و اجداد مادری است.

تفاوت دیگر از حیث قلمرو نفقه و تفاوت در مصادیق آن بررسی می‌گردد که مطابق ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی، نفقه زوجه شامل تمامی نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث‌البیت، هزینه‌های درمانی و بهداشتی و در صورت عادت یا احتیاج، خادم می‌شود. تصریح قانون‌گذار به هزینه‌های درمانی و بهداشتی در این ماده، نشان‌دهنده شمول گسترده نفقه زوجه و توجه خاص به سلامت جسمی و روانی زن است. در مقابل، ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی که ناظر بر نفقه اقارب است، مصادیق نفقه را محدودتر بیان کرده و تنها به «مسکن، غذا، لباس و اثاث‌البیت» به‌عنوان نیازهای متعارف زندگی اشاره نموده است. عدم تصریح به هزینه‌های درمانی و بهداشتی در این ماده، موجب بروز اختلاف نظرهای فقهی و حقوقی در خصوص شمول یا عدم شمول این هزینه‌ها در نفقه اقارب و به‌ویژه نفقه فرزندان شده است.

یکی دیگر از تفاوت‌های اساسی میان نفقه زوجه و نفقه اقارب، قابلیت مطالبه نفقه گذشته است که نفقه زوجه، در صورت عدم پرداخت، به‌عنوان دین بر ذمه زوج باقی می‌ماند و زن می‌تواند نفقه معوقه خود را از طریق مراجع قضایی مطالبه نماید؛ اما نفقه اقارب چنین وصفی ندارد و نفقه پرداخت نشده گذشته، دین محسوب نشده (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۲۷۶) و اصولاً قابل مطالبه نیست؛ مگر در مواردی استثنایی که پرداخت آن به‌صورت قرض یا تعهد جداگانه‌ای اثبات شود (کاظمی، ۱۳۹۸)

افزون بر دسته بندی انواع نفقه و بررسی احکام آن، هزینه‌های درمانی که می‌تواند ذیل نفقه مورد بحث قرار گیرد، خود قابل تقسیم به دو دسته است:

نخست، هزینه‌های درمانی ضروری که برای حفظ سلامت و حیات انسان لازم بوده و ترک آن‌ها موجب بروز خطر جانی یا تشدید بیماری می‌شود؛ دوم، هزینه‌های درمانی غیرضروری مانند برخی جراحی‌های زیبایی که جنبه درمانی مستقیم ندارند و بیشتر ناظر بر بهبود ظاهر یا افزایش رفاه فردی هستند.

در این خصوص، میان فقها نیز اختلاف نظر وجود دارد. و برخی نفقه ی اقارب را محدود به خوراک، پوشاک و مسکن دانسته اند (محقق حلی، بی تا، ص ۵۰) اما برخی منابع فقهی دیگر هزینه‌های درمان و داروهای متعارفی را که افراد در طول ماه‌ها و سال‌ها برای درمان بیماری‌ها و تسکین دردهای معمول مصرف می‌کنند را نیز جزء نفقه دانسته‌اند؛ زیرا این هزینه‌ها عرفاً از نیازهای متعارف زندگی محسوب می‌شوند و داروها و معالجات سنگین و پرهزینه‌ای که به‌طور اتفاقی و نادر مورد نیاز واقع می‌شود، به‌ویژه در صورتی که مستلزم بذل مال فراوان باشد، را از شمول نفقه خارج دانسته‌اند (یوسفیان، ۱۳۸۵، ص ۴۹) و این همان موضوعی است که در ادامه مباحث به‌صورت تفصیلی مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

## ۲) نفقه ی فرزندان ، حدود و شرایط مطالبه ی آن

## ۲\_۱ شرایط فرزندان برای مطالبه ی نفقه :

در فقه امامیه، وجوب انفاق بر دو رکن اساسی استوار است: نیاز واقعی منفق علیه و تمکن مالی منفق. در خصوص فرزندان، استحقاق نفقه زمانی محقق می شود که فرزند توانایی تأمین معاش خود را نداشته باشد. این ناتوانی می تواند ناشی از نقص جسمانی یا روانی، مانند معلولیت یا جنون، و یا نقص در اهلیت، به ویژه صغر، باشد؛ زیرا در این حالات، فرزند امکان اشتغال مؤثر و اداره مستقل امور مالی خود را ندارد. گاه نیز این عوامل توأمانند؛ مانند فرد بالغی که به دلیل جنون، علی رغم رسیدن به سن قانونی، فاقد توان واقعی اداره زندگی است. از این رو، فقهای امامیه ملاک را توان واقعی بر کسب معاش دانسته و سن خاصی را شرط استحقاق نفقه ندانسته اند؛ بدین معنا که هرگاه فرزند عرفاً قادر به تأمین هزینه های متعارف زندگی نباشد، مستحق نفقه خواهد بود، حتی اگر بالغ باشد (حسینی فاضل، ۱۳۸۳، ص. ۸۰).

در مقابل، وجوب انفاق بر عهده پدر نیز مشروط به تمکن مالی اوست. تمکن به این معناست که پدر پس از تأمین نیازهای ضروری خود و سایر واجبات نفقه ها، توان پرداخت نفقه فرزند را داشته باشد؛ به گونه ای که پرداخت آن موجب اخلال جدی در معیشت وی نشود. در صورت فقدان این توان، تکلیف انفاق ساقط می شود. بدین ترتیب، فقه امامیه با ایجاد توازن میان حق فرزند و توان واقعی پدر، از تحمیل تکالیف غیر قابل تحمل جلوگیری می کند و هرگاه فرزند نیازمند و پدر متمکن باشد، حق مطالبه نفقه برای فرزند تثبیت می شود (ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۲، ص. ۳۴۹). سبزواری نیز احتیاج منفق علیه و قدرت مالی منفق را اساس وجوب انفاق دانسته و تصریح می کند که نفقه برای فرد بی نیاز یا الزام شخص غیر متمکن، موضوعیت ندارد (سبزواری، بی تا، ج ۱، ص. ۵۷۷).

قانون مدنی ایران نیز با الهام از همین مبانی فقهی، در ماده ۱۱۹۷ معیار استحقاق نفقه را فقر و ناتوانی واقعی از تأمین معاش از طریق اشتغال دانسته و صرف بیکاری را کافی ندانسته است؛ بنابراین فرزندی که توان کسب درآمد متعارف دارد، حتی در صورت عدم استفاده از آن، مستحق نفقه نخواهد بود (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳، ص. ۴۴۶). ماده ۱۱۹۸ نیز تمکن منفق را شرط الزام به انفاق دانسته و پرداخت نفقه را منوط به عدم ایجاد مضیقه در زندگی او کرده است.

در فقه امامیه، صغیر یا کبیر بودن، مطیع یا عاصی بودن و حتی مسلمان یا کافر بودن فرزند، تأثیری در اصل استحقاق نفقه ندارد و معیار اصلی، نیاز مالی فرزند و تمکن والدین است (روحانی، ۱۳۷۸، ص. ۱۳۸؛ گلپایگانی، ۱۴۰۹، ص. ۱۷۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ص. ۴۸۶). نفقه فرزندان برخلاف نفقه زوجه، مبتنی بر رابطه نسبی است و شرایط خاص زوجیت، مانند تمکین، در آن جریان ندارد (بهره مند و عسکری، ۱۳۹۴). همین رویکرد در نظام حقوقی ایران نیز پذیرفته شده و مواد ۱۱۹۶ تا ۱۲۰۶ قانون مدنی تنها بر دو عنصر نیازمندی نفقه گیر و تمکن مالی منفق تأکید دارند (صفایی و امامی، ۱۳۸۸، ص. ۳۹۷). در نتیجه، هماهنگی کامل میان فقه امامیه و قانون مدنی ایران در شناسایی نفقه فرزندان به عنوان حقی مشروط و عادلانه، مبتنی بر نیاز واقعی و توان مالی پدر، قابل مشاهده است.

## ۲\_۲ امکان سنجی دریافت هزینه های درمان توسط فرزندان :

با توجه به آنچه درباره مفهوم نفقه، شرایط استحقاق آن و جایگاه فرزندان به عنوان یکی از مصادیق نفقه اقارب بیان شد، مسئله شمول یا عدم شمول هزینه‌های بهداشت، درمان و به‌ویژه جراحی‌های زیبایی ذیل عنوان نفقه، از مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین مباحث این حوزه به شمار می‌آید. طرح این پرسش، در واقع ناظر بر تبیین حدود و ماهیت نفقه و میزان انعطاف‌پذیری آن در برابر نیازهای متغیر انسانی و اجتماعی است؛ نیازی که صرفاً به تأمین خوراک، پوشاک و مسکن محدود نمی‌شود و ابعاد گسترده‌تری از زندگی انسانی، از جمله سلامت جسمی و روانی را در بر می‌گیرد.

در تحلیل این موضوع، نخست باید به این نکته اساسی توجه داشت که نفقه در فقه امامیه و به تبع آن در نظام حقوقی ایران، مفهومی ایستا و محدود به مصادیق احصاشده قانونی نیست، بلکه مفهومی پویا و متأثر از عرف، شرایط زمانی و مکانی و سطح متعارف زندگی افراد جامعه است. هرچند ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی مصادیقی مانند مسکن، لباس، غذا و اثاث‌الیه را به عنوان اجزای نفقه برشمرده است، اما از حیث فلسفه‌ی حمایتی و عرف محور بودن نیازهای زندگی، بنظر می‌رسد که این احصا جنبه تمثیلی دارد و نه حصری. این برداشت با مبانی فقهی نیز سازگار است؛ زیرا فقها در تعریف نفقه، آن را به «ما يحتاج الیه المنفق علیه» یا آنچه که شخص برای ادامه حیات متعارف خود بدان نیازمند است، تعبیر کرده‌اند. از این منظر، سلامت جسمی و روحی فرزند، نه تنها یک امر جانبی، بلکه یکی از ارکان اساسی حیات انسانی محسوب می‌شود و نمی‌توان والدین را صرفاً مکلف به تأمین حداقل‌های زیستی دانست و آنان را از مسئولیت حفظ و اعاده سلامت فرزند معاف کرد.

از نظر عرفی نیز امروزه هزینه‌های درمان و بهداشت، جزء جدایی‌ناپذیر نیازهای اساسی افراد به شمار می‌آید. در جوامع معاصر، مراجعه به پزشک، تهیه دارو، انجام آزمایش‌های تشخیصی و حتی برخی اقدامات درمانی، اموری عادی و متعارف تلقی می‌شوند. از این رو، محدود کردن نفقه فرزندان به خوراک و پوشاک، با درک عرفی از نیازهای زندگی و با هدف شارع از وضع حکم نفقه، که همانا حفظ بقا، کرامت و سلامت انسان است، سازگار نیست. همین رویکرد عرف محور سبب شده است که فقهای امامیه، هزینه‌های درمان متعارف را ذیل نفقه واجب قرار دهند و آن را قابل مطالبه بدانند.

در برخی منابع فقهی، با توسعه قلمرو نفقه فرزندان، تصریح شده است که نفقه آنان از حیث شمول، تفاوت ماهوی با نفقه زوجه ندارد (خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۲۱) و هر آنچه به عنوان نفقه برای زوجه واجب است، در حد متعارف درباره فرزندان نیز جریان می‌یابد. (هاشمی شاهرودی، بی تا، ج ۸، ص ۵۹۲)

این دیدگاه، مبتنی بر این استدلال است که فلسفه وجوب نفقه، تأمین نیازهای اساسی شخص تحت تکفل است و تفاوتی میان زوجه و فرزند از این حیث وجود ندارد؛ به‌ویژه آنکه فرزند، به دلیل وابستگی طبیعی و عدم استقلال اقتصادی، در بسیاری موارد حتی نیازمند حمایت بیشتری است. بر همین اساس، هزینه‌های درمان و معالجه فرزندان، مادامی که در حد متعارف را جزء نفقه دانسته (سبحانی، بی تا، ص ۱۳۸) و والدین را مکلف به پرداخت آن می‌دانند (اکبری، ۱۳۹۴، ص ۵۶)

باین حال، در میان فقها دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص دامنه این تعهد وجود دارد. برخی با تفکیک میان انواع هزینه‌های درمانی، تنها داروها و معالجات متعارف را مشمول نفقه دانسته‌اند و هزینه‌های سنگین، خاص و غیر متعارف را خارج از شمول نفقه تلقی کرده‌اند. (یوسفیان، ۱۳۸۵، ص ۴۹) استدلال این گروه آن است که نفقه ناظر بر نیازهای معمول و مستمر زندگی است و نمی‌توان والد را مکلف به تحمل هزینه‌هایی دانست که به صورت اتفاقی و در شرایط خاص بر او تحمیل می‌شود،

به‌ویژه اگر این هزینه‌ها فراتر از توان مالی متعارف او باشد. از این منظر، داروهایی که عموم مردم در طول سال برای درمان بیماری‌های رایج یا تسکین درد استفاده می‌کنند، جزء نفقه محسوب می‌شود، اما داروها یا معالجاتی که صرفاً در بیماری‌های نادر، سخت یا پرهزینه کاربرد دارد، لزوماً تحت عنوان نفقه قرار نمی‌گیرد.

در مقابل، دیدگاه موسع‌تری نیز در فقه امامیه وجود دارد که بر مبنای آن، ملاک اصلی در شمول هزینه‌های درمانی، قابلیت معالجه بیماری و وجود امید عقلایی به بهبود است، نه میزان هزینه یا خاص بودن نوع درمان. بر اساس این نظر، اگر بیماری فرزند قابل درمان باشد و ترک معالجه موجب تضرر جدی یا هلاکت او شود، پدر مکلف به تأمین هزینه‌های درمان است، حتی اگر این هزینه‌ها سنگین و غیرمتعارف باشد. این رویکرد، ریشه در قاعده‌های فقهی مهمی همچون قاعده حفظ نفس، لاضرر و اهمیت جان انسان دارد. بر پایه این مبانی، حفظ جان و سلامت انسان، بر بسیاری از ملاحظات مالی مقدم است و فقر یا عدم تمکن مالی، به‌تنهایی نمی‌تواند مجوز ترک معالجه فرزند باشد؛ تا آنجا که حتی جواز قرض گرفتن برای تأمین هزینه درمان نیز مورد تصریح قرار گرفته است. (خوبی، ۱۴۳۲، ص. ۱۷۴)

در نظام حقوقی ایران نیز، هرچند نص صریحی درباره تفکیک هزینه‌های درمانی متعارف و غیرمتعارف در نفقه فرزندان وجود ندارد، اما با تفسیر موسع از مواد قانونی و با توجه به روح حاکم بر قانون مدنی، می‌توان به شمول هزینه‌های بهداشت و درمان ذیل نفقه فرزندان قائل شد. (صفایی و امامی، ۱۳۸۸، ص. ۳۹۵) قانون‌گذار در مواد مرتبط با نفقه ی‌زوجه، بر تأمین نیازهای متعارف زندگی تأکید کرده و تعیین مصداق را به عرف واگذار نموده است. از سوی دیگر در خصوص فرزندان نیز، تکلیف والدین به نگهداری، تربیت و مراقبت از فرزندان، که در قوانین مختلف مورد اشاره قرار گرفته، مؤید این معناست که حفظ سلامت جسمی و روانی کودک، جزء لاینفک این تکلیف است و نمی‌توان آن را از نفقه جدا دانست. (خوبی، ۱۳۹۱، ص. ۲۱۳) بنابراین می‌توان استدلال کرد که اگرچه نفقه ی‌زوجه و اقارب از حیث ماهیتی متفاوت بوده و هر یک شرایط و آثار خاص خود را دارند، اما در برخی از مصادیق می‌توانند مشابه هم باشند.

در این چارچوب، مسئله جراحی‌های زیبایی نیز قابل طرح و بررسی است. اگرچه جراحی زیبایی در نگاه نخست، خارج از ضرورت‌های درمانی به نظر می‌رسد، اما نمی‌توان به‌طور مطلق آن را از شمول نفقه خارج دانست. تمایز میان جراحی زیبایی صرفاً تجملی و جراحی‌هایی که جنبه درمانی، اصلاحی یا رفع نقص دارند، در اینجا اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. جراحی‌هایی که برای رفع ناهنجاری‌های مادرزادی، اصلاح آثار حوادث، یا جلوگیری از آسیب‌های جدی روحی و روانی انجام می‌شود، به‌ویژه در مورد کودکان و نوجوانان، می‌تواند در راستای حفظ سلامت روانی و اجتماعی آنان تلقی گردد و از این رو، ذیل نفقه قابل تحلیل باشد. در مقابل، جراحی‌هایی که صرفاً با هدف افزایش زیبایی و بدون وجود ضرورت عقلایی یا عرفی انجام می‌شود، به دشواری می‌تواند مشمول نفقه واجب قرار گیرد، مگر آنکه عرف جامعه یا شرایط خاص فرد، ضرورت آن را توجیه نماید.

در مجموع و در یک نگاه کلی به نظر می‌رسد که تحلیل جامع مسئله نفقه فرزندان در حوزه بهداشت، درمان و جراحی‌های زیبایی، مستلزم اتخاذ رویکردی تلفیقی است؛ رویکردی که هم به مبانی فقه امامیه و قواعد کلی آن توجه داشته باشد و هم مقتضیات عرفی و اجتماعی زمان حاضر را لحاظ کند. چنین رویکردی اجازه می‌دهد تا نفقه، به‌عنوان نهادی حمایتی و

انسانی، بتواند پاسخ‌گوی نیازهای واقعی فرزندان باشد و از تقلیل آن به حداقل‌های مادی جلوگیری شود، بی‌آنکه بار تکلیف غیرمعقول و نامتناسبی بر دوش والدین نهاده شود.

## ۳\_۲ قابلیت دریافت هزینه‌ی جراحی‌های زیبایی :

درخصوص قابلیت مطالبه هزینه جراحی‌های زیبایی فرزندان ذیل عنوان نفقه، در بدو امر چنین به نظر می‌رسد که از آنجا که جراحی‌های زیبایی غالباً با هدف حفظ حیات، درمان بیماری یا دفع ضرر جسمانی فوری انجام نمی‌شوند، نتوان آن‌ها را در شمار مصادیق نفقه و نیازهای ضروری یک زندگی متعارف قرار داد. این برداشت ابتدایی، ریشه در تلقی سنتی از مفهوم نفقه دارد که آن را محدود به نیازهای اولیه‌ای همچون خوراک، پوشاک، مسکن و در نهایت هزینه‌های درمانی ضروری برای حفظ سلامت جسمانی می‌داند. بر این اساس، جراحی زیبایی به‌عنوان اقدامی انتخابی و غیرضروری تلقی شده و خارج از دایره تکلیف انفاق پدر نسبت به فرزند تصور می‌شود. با این حال، چنین نگاهی اگرچه در ظاهر با مفهوم مضیق نفقه همخوانی دارد، اما با تأمل عمیق‌تر در مبانی فقه امامیه و همچنین تحول مفهوم نفقه در نظام حقوقی ایران، نیازمند بازنگری جدی است.

در فقه امامیه، نفقه فرزند مفهومی ایستا و محدود به نیازهای حداقلی نیست، بلکه مفهومی پویا و متناسب با شرایط زمانی، مکانی، عرفی و وضعیت خاص منفق علیه تلقی می‌شود. فقها در تبیین نفقه، معیار «ما تحتاج الیه» یا «ما تقوم به الحیاة علی وجه المتعارف» را مطرح کرده‌اند؛ به این معنا که نفقه شامل اموری است که فرد برای ادامه یک زندگی متعارف و شایسته به آن نیاز دارد. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۴۵۵) این معیار، به‌طور ذاتی عرف‌محور بوده و امکان توسعه و تطبیق با شرایط جدید را فراهم می‌سازد. از همین رو، نمی‌توان مفهوم نفقه را صرفاً به حفظ حیات فیزیکی تقلیل داد، بلکه حفظ کرامت انسانی، سلامت روانی و تعادل روحی نیز به‌عنوان اجزایی جدایی‌ناپذیر از حیات متعارف انسان مورد توجه قرار می‌گیرد. (ابن کثیر، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۹۱)

از منظر فقهی، یکی از مقاصد مهم شریعت، حفظ نفس است که این مفهوم تنها به سلامت جسمانی محدود نمی‌شود، بلکه سلامت روانی و روحی را نیز در بر می‌گیرد. بسیاری از فقها در ابواب مختلف فقهی، از جمله باب نفقات و حضانت، بر ضرورت تأمین مصلحت طفل تأکید کرده‌اند. مصلحت طفل مفهومی عام است که هر آنچه را برای رشد متوازن جسمی، روانی و اجتماعی کودک لازم باشد، شامل می‌شود. در این چارچوب، اگر وضعیت ظاهری کودک به گونه‌ای باشد که موجب تحقیر، تمسخر، طرد اجتماعی، انزوا یا آسیب‌های روانی جدی شود، نمی‌توان این آثار را اموری غیرمهم یا تجملی تلقی کرد. در چنین فرضی، جراحی زیبایی دیگر صرفاً اقدامی برای افزایش جذابیت ظاهری نیست، بلکه به ابزاری برای دفع ضرر روانی و حفظ سلامت روحی کودک تبدیل می‌شود. (محسنی، ۱۳۸۷، ص ۹۱)

از سوی دیگر، در فقه امامیه قاعده «لاضرر و لا ضرار» جایگاه مهمی دارد. مطابق این قاعده، هر حکمی که موجب ضرر قابل توجه بر مکلف یا دیگری شود، از سوی شارع نفی شده است. (نراقی، ۱۴۱۵، ص ۲۶۸) لذا اگر عدم انجام جراحی زیبایی، به تشخیص متخصص، موجب ورود ضرر روانی مستمر و جدی به فرزند گردد، خودداری از تأمین هزینه آن،

مصادیقی از اضرار به غیر، به‌ویژه کودک، خواهد بود. این امر به‌ویژه در مورد کودکان و نوجوانان که در مرحله شکل‌گیری شخصیت و هویت فردی قرار دارند، اهمیت دوچندان می‌یابد. فشارهای روانی ناشی از نقص ظاهری، می‌تواند آثار ماندگاری بر سلامت روان، روابط اجتماعی و آینده فرد داشته باشد و از این حیث، دفع چنین ضرری در چارچوب تکلیف والدین قابل تحلیل است، منتها باید اشاره کرد که قاعده‌ی لاضرر در مقام رفع حکم ضرری است و نه ایجاد تکلیف نامحدود، لذا همانطور که اشاره شد در ایجاد تکلیف مالی به پرداخت نفقه‌ی درمان، بایستی تمکن منفق، تناسب درآمد او با هزینه‌هایی که تحمیل می‌شود و عرف نیز توجه کرد.

در نظام حقوقی ایران نیز مفهوم نفقه، مفهومی عرفی و قابل توسعه تلقی شده است. قانون مدنی در بیان مصادیق نفقه، اگرچه به‌صورت تمثیلی از خوراک، پوشاک، مسکن و هزینه‌های درمانی نام برده است، اما بنظر می‌رسد این فهرست جنبه حصری ندارد و تشخیص مصادیق نفقه به عرف و شرایط خاص هر مورد واگذار شده است. رویه حقوقی و دکترین حقوقی نیز بر این نکته تأکید دارند که نفقه باید متناسب با وضعیت اجتماعی، فرهنگی و نیازهای واقعی فرزند تعیین شود. بنابراین، هر هزینه‌ای که برای تأمین زندگی متعارف و حفظ سلامت جسمی و روانی فرزند ضرورت داشته باشد، می‌تواند ذیل عنوان نفقه قرار گیرد. (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ص ۷۴۴)

با توجه به تحولات اجتماعی و افزایش اهمیت سلامت روان در جوامع معاصر، دیگر نمی‌توان میان سلامت جسمانی و روانی تفکیکی مطلق قائل شد. امروزه در علوم پزشکی و روان‌شناسی، سلامت به‌عنوان مفهومی جامع تعریف می‌شود که ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی را به‌طور هم‌زمان در بر می‌گیرد. در این چارچوب، جراحی زیبایی‌ای که هدف آن رفع نقص ظاهری مؤثر بر سلامت روان کودک باشد، می‌تواند در زمره هزینه‌های درمانی غیرمستقیم قرار گیرد. به جهت اهمیت زیاد این موضوع، برخی از حقوق‌دانان موظبت جسمی، اخلاقی و بهداشتی، از جمله اقدام به معالجه و درمان را صراحتاً از تکالیف والدین در جهت رعایت مصلحت طفل دانسته‌اند. (صفایی و امامی، ۱۳۸۸، ص ۳۷۹)

البته باید توجه داشت که شمول جراحی‌های زیبایی بر نفقه، امری مطلق و بدون قید نیست. نخست آنکه نیاز فرزند باید واقعی و مبتنی بر تشخیص کارشناسی باشد، نه صرف تمایل شخصی یا گرایش‌های زودگذر. تشخیص پزشک متخصص، به‌ویژه در خصوص تأثیر مستقیم نقص ظاهری بر سلامت روانی کودک، نقش اساسی در این زمینه دارد. دوم آنکه وضعیت مالی پدر یا شخص مکلف به انفاق نیز باید لحاظ شود. در فقه و حقوق ایران، تکلیف نفقه مقید به تمکن منفق است و نمی‌توان او را به پرداخت هزینه‌هایی که خارج از توان مالی‌اش است، ملزم کرد. بنابراین، تنها در صورتی می‌توان هزینه جراحی زیبایی را ذیل نفقه قرار داد که پدر از تمکن مالی کافی برخوردار باشد. (سبزواری، بی تا، ج ۱، ص ۵۷۷)

در نهایت، می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگرچه جراحی‌های زیبایی در نگاه نخست خارج از مصادیق سنتی نفقه قرار می‌گیرند، اما با تفسیر موسع و عرف‌محور از مفهوم نفقه در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران، و با توجه به اهمیت سلامت روانی کودک، در مواردی که عدم انجام این جراحی‌ها موجب ورود آسیب‌های روانی قابل توجه شود، می‌توان هزینه آن‌ها را ذیل عنوان نفقه فرزند قابل مطالبه دانست. در چنین وضعیتی، جراحی زیبایی نه به‌عنوان اقدامی تجملی، بلکه به‌مثابه وسیله‌ای برای حفظ مصلحت و سلامت جامع فرزند، در چارچوب تکلیف والدین برای انفاق و حمایت از فرزند معنا می‌یابد.

## ۲\_۴ حدود نفقه در بحث بهداشت و درمان و شیوه تعیین ضرورت اقدامات درمانی :

در بررسی حدود نفقه قابل مطالبه در حوزه بهداشت و درمان فرزندان، یکی از نکات اساسی در فقه امامیه و حقوق ایران، فقدان تعیین مصادیق و میزان مشخص برای هزینه‌های درمانی است. قانون مدنی، به‌ویژه ماده ۱۲۰۴، نفقه اقارب را محدود به مسکن، خوراک، پوشاک و اثاث‌البیت دانسته و به هزینه‌های درمانی تصریح نکرده است؛ با این حال، با وحدت ملاک از ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی در نفقه زوج و شمول هزینه‌های درمان ذیل نیازهای متعارف زندگی، می‌توان نفقه فرزند را نیز شامل مخارج بهداشت و درمان دانست، هرچند حدود و مصادیق آن همچنان مبهم باقی مانده است. این سکوت تقنینی، با توجه به تنوع نیازهای انسانی و تحول علوم پزشکی، موجب رجوع به معیارهایی چون عرف، ضرورت و تشخیص کارشناسی شده است.

در فقه امامیه، نفقه اقارب بر پایه رفع نیاز متعارف و متناسب با شأن منفق علیه استوار است و هزینه‌های درمانی زمانی مشمول نفقه می‌شود که ترک آن موجب عسر و حرج، ضرر قابل توجه یا اختلال در سلامت جسمی یا روانی فرزند گردد. تعیین این ضرورت، امری نسبی و وابسته به شرایط زمانی، مکانی و فردی است. عرف نیز در تشخیص نیاز متعارف نقش محوری دارد و هزینه‌های درمانی با توجه به عرف اجتماعی و پزشکی سنجیده می‌شود (کریمی، ۱۴۰۰).

در نظام حقوقی ایران، رویه قضایی نیز با جلب نظر کارشناسان رسمی و پزشکان متخصص، ضرورت و متعارف بودن هزینه‌ها را احراز می‌کند (صادقی، ۱۳۹۷).

از جمله، در دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۰۲۰۰۳۶۰ مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۱۰ و دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۸۰۲۰۱۲۰۱۳۰۱ مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۰۸، دادگاه با ارجاع امر به کارشناسی، میزان نفقه فرزندان را بر اساس عرف، نیاز فرزند و توان مالی پدر تعیین کرده است. این رویکرد از یک سو تضمین‌کننده سلامت فرزند و از سوی دیگر مانع تحمیل تعهدات نامحدود بر منفق است.

در خصوص جراحی‌های زیبایی، اصل بر خروج این هزینه‌ها از قلمرو نفقه است؛ زیرا نفقه ناظر بر نیازهای ضروری برای حفظ جان، سلامت و کرامت انسانی است (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱، ص. ۶۱۰). با این حال، در مواردی که نقص ظاهری یا عیب جسمانی موجب آسیب جدی روانی یا اجتماعی شود، جراحی زیبایی می‌تواند جنبه درمانی یا شبه‌درمانی پیدا کند و ذیل نفقه قرار گیرد؛ تحلیلی که با پذیرش لزوم درمان در صورت تحقق ضرر یا حرج شدید در فقه امامیه سازگار است (حکیم، ۱۳۹۱، ص. ۶۶۳). در این موارد، نظر متخصصان پزشکی و روان‌شناسی، معیار مهمی در تشخیص ضرورت محسوب می‌شود.

وجود عیب‌های به‌عنوان معیارهایی برای تشخیص ضرورت جراحی یا تجملی بودن آن می‌تواند به موارد ذیل اشاره کرد: مادرزادی یا آسیب‌ناشی از حادثه که باعث اختلال در عملکرد صحیح اعضای بدن شود.

ایجاد اختلالات روانی جدی که توسط روان‌پزشک و روان‌شناس به صورت تخصصی گزارش شده باشد.

— عرف پزشکی با لحاظ آسیب پذیری شخص و سن او تحت جراحی را تجویز نماید .

— امکان رفع مشکل و درمان شخص بدون انجام جراحی و از طرق دیگر وجود نداشته باشد .

— هزینه ی جراحی نیز متناسب با توان مالی منفق باشد .

در نهایت، حدود نفقه بهداشت و درمان فرزندان، به‌ویژه در جراحی‌های زیبایی، مفهومی انعطاف‌پذیر و وابسته به عرف، ضرورت و تشخیص تخصصی است. این انعطاف‌پذیری، در صورت اعمال ضابطه‌مند، می‌تواند تعادل میان حمایت مؤثر از فرزند و رعایت حدود مسئولیت منفق را در چارچوب فقه امامیه و حقوق ایران تأمین کند .

## ۲\_۵ هزینه‌ی استفاده از خدمات مشاوره و روانشناسی :

در بررسی شمول هزینه‌های درمانی ذیل نفقه، محدود کردن آن به درمان‌های جسمی با واقعیت‌های زندگی معاصر و مبانی فقه امامیه و حقوق ایران سازگار نیست. سلامت در معنای موسع، شامل ابعاد جسمی و روانی است و اختلال در هر یک، زندگی متعارف و شایسته را مختل می‌کند. قوانین ایران با تأکید بر نگهداری و تربیت همه‌جانبه فرزند، مسئولیت والدین را فراتر از تأمین نیازهای مادی دانسته و سلامت روانی و اخلاقی را نیز در قلمرو تکالیف آنان قرار داده‌اند. ازاین‌رو، درمان اختلالات روانی که مانع رشد متعادل شخصیت فرزند می‌شود، در چارچوب همین تکلیف قانونی قابل تحلیل است .

در فقه امامیه نیز نفقه بر پایه «نیاز متعارف» و تشخیص عرف استوار است و به مصادیق ثابت محدود نمی‌شود؛ بنابراین هرآنچه عرفاً برای حفظ سلامت و کرامت انسانی لازم باشد، می‌تواند ذیل نفقه قرار گیرد. فقها با توجه به آثار عمیق آسیب‌های روانی بر شخصیت و روابط اجتماعی، درمان این اختلالات را در صورت ضرورت، قابل شمول در نفقه می‌دانند (مروارید، ۱۴۱۰، ج ۱۹، ص ۵۲۲)

در نهایت می‌توان گفت که هم در فقه امامیه و هم در نظام حقوقی ایران، مفهوم نفقه مفهومی پویا و متناسب با شرایط زمان و مکان است و بر اساس نیازهای واقعی انسان تفسیر می‌شود. سلامت روانی، همانند سلامت جسمی، از ارکان اساسی حیات انسانی است و بی‌توجهی به آن، با فلسفه نفقه که تأمین نیازهای ضروری زندگی است، ناسازگار خواهد بود. بنابراین، در چارچوب یک تفسیر عرفی، عقلایی و منطبق با مبانی فقهی و قانونی، هزینه‌های درمان روحی و روانی فرزندان، در صورت احراز ضرورت و نیاز، تحت عنوان نفقه قابل مطالبه بوده و در زمره تکالیف والدین در نگهداری و حمایت همه‌جانبه از فرزندان قرار می‌گیرد .

## ۳) چالش‌ها و راهبردها :

۳\_۱ یکی از مهم‌ترین چالش‌های تعیین حدود نفقه فرزندان، به‌ویژه در حوزه بهداشت، درمان و جراحی‌های زیبایی، خلأ و ابهام مقررات قانونی و فقدان تعریف جامع از نفقه در حقوق ایران است که به اختلاف نظرهای فقهی و حقوقی انجامیده

است. هرچند قانون مدنی مصادیق نفقه اقارب را به‌طور کلی در ماده ۱۲۰۴ بیان کرده، اما نیازهای متعارف زندگی امروزی فراتر از این موارد بوده و همین امر تشخیص مصادیق نفقه، به‌ویژه در درمان‌های تخصصی، روان‌درمانی و جراحی‌های زیبایی را با دشواری مواجه ساخته است. در فقه امامیه نیز معیار «نیاز متعارف» و شأن منفق‌علیه پذیرفته شده است (حسینی فاضل، ۱۳۸۳، ص. ۸۰)، اما تطبیق آن با تحولات مفهوم سلامت، که امروزه سلامت روانی و اجتماعی را نیز دربرمی‌گیرد، محل اختلاف باقی مانده است. برای مواجهه با این چالش‌ها، اصلاح تقنینی با پیش‌بینی معیارهایی چون ضرورت درمان، تأثیر آن بر سلامت جسم و روان و تناسب هزینه با توان مالی والد، همراه با ایجاد رویه قضایی منسجم و بهره‌گیری از نظر کارشناسان، می‌تواند ضمن حفظ انعطاف، از تفسیرهای سلیقه‌ای کاسته و حمایت مؤثرتر از حقوق فرزندان را در چارچوب فقه امامیه و حقوق ایران تضمین کند.

۲\_۳ یکی از چالش‌های اساسی در تعیین حدود نفقه فرزندان، تعارض میان مصلحت و سلامت فرزند از یک‌سو و توان مالی منفق از سوی دیگر است؛ زیرا هرچند والدین مکلف به رعایت مصلحت و حفظ سلامت فرزند هستند (طهماسب‌پور، تقی‌پور و خانلری، ۱۴۰۴)، اما هزینه‌های برخی درمان‌های تخصصی، روان‌درمانی‌های طولانی‌مدت و جراحی‌های خاص، به‌ویژه جراحی‌های زیبایی، بسیار سنگین است و در فقه امامیه نیز نفقه مشروط به تمکن مالی منفق بوده و مسئولیت او نامحدود تلقی نمی‌شود (احمدپور قادی‌کلائی، ۱۴۰۳). افزون بر این، فقدان معیار روشن برای تفکیک جراحی صرفاً زیبایی از جراحی دارای جنبه درمانی، موجب تصمیم‌گیری‌های موردی و بعضاً سلیقه‌ای در رویه قضایی شده است. در مواجهه با این چالش‌ها، تقویت نقش عرف تخصصی و ارجاع به نظر کارشناسان پزشکی و روان‌پزشکی، به‌عنوان معیاری عینی برای تشخیص ضرورت درمان، و نیز تفسیر موسع و پویا از مفهوم نفقه با تکیه بر مقاصد شریعت و قواعدی چون لاضرر و نفی عسر و حرج، می‌تواند زمینه شمول هزینه‌های درمانی ضروری، حتی برخی جراحی‌های زیبایی لازم، را در قلمرو نفقه فرزندان فراهم آورد.

## نتیجه‌گیری :

بررسی فقهی و حقوقی نفقه فرزندان در حوزه بهداشت و درمان، به‌ویژه با تأکید بر جراحی‌های زیبایی، نشان می‌دهد که نهاد نفقه در فقه امامیه و حقوق ایران، ماهیتی حمایتی، انسانی و منعطف دارد و صرفاً به تأمین حداقل‌های زیستی محدود نمی‌شود، بلکه هدف آن تضمین زندگی متعارف و متناسب با شأن انسانی طفل است. از این رو، تقلیل نفقه به خوراک، پوشاک و مسکن، با مبانی فقهی و نیازهای زندگی معاصر سازگار نیست.

اگرچه ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی مصادیق محدودی از نفقه اقارب را ذکر کرده، با رویکرد عرفی و منطقی این احصا جنبه تمثیلی دارد و مانع شمول سایر نیازهای متعارف، از جمله هزینه‌های بهداشت و درمان، نمی‌شود. فقه امامیه نیز با تأکید بر معیار کفایت و نیاز متعارف، تعیین مصادیق نفقه را به عرف و شرایط اشخاص واگذار کرده و امکان تطبیق آن با تحولات اجتماعی و پزشکی را فراهم ساخته است.

با یک دیدگاه فلسفی و حمایتگرانه بنظر می رسد ، در حوزه درمان هزینه‌های ضروری که ترک آن‌ها موجب ضرر، عسر و حرج یا اختلال جدی در سلامت جسمی و روانی فرزند می‌شود، با احراز تمکن مالی منفق، از مصادیق نفقه قابل مطالبه‌اند. در خصوص جراحی‌های زیبایی، اقدامات صرفاً تجملی خارج از قلمرو نفقه قرار می‌گیرند، اما جراحی‌هایی که برای رفع ناهنجاری‌ها یا پیشگیری از آسیب‌های روانی انجام می‌شوند، می‌توانند ماهیت درمانی یافته و مشمول نفقه باشند. همچنین هزینه‌های درمان‌های روانی، در صورت وجود نیاز واقعی، با توجه به اهمیت سلامت روان و تکلیف والدین به تربیت فرزند، قابل شمول در نفقه‌اند .

در نهایت، تفسیر عرف‌محور مقررات، با لحاظ مصلحت طفل، نظر کارشناسان و توان مالی والدین، می‌تواند تعادل میان حقوق فرزند و تکالیف والدین را تأمین کند و از بروز اختلافات جلوگیری نماید .

**سپاس‌گزاری :** نگارنده از استاد محترم و تمامی کسانی که نتیجه‌ی پژوهش آنان همچون چراغ راهی برای نگارش این تحقیق موثر بوده کمال قدردانی را بعمل می‌آورد .

فهرست منابع :

منابع فارسی :

- ۱\_ اکبری ، محمود . ( ۱۳۹۴ ش ) . احکام خانواده . قم : نشر فقیان
- ۲\_ جعفری لنگرودی ، محمد جعفر . ( ۱۳۸۱ ش ) . ترمینولوژی حقوق ، تهران : انتشارات کتابخانه گنج دانش
- ۳\_ حسینی فاضل ، مرتضی . ( ۱۳۸۳ ش ) . احکام مالی . تهران : نشر تحسین
- ۴\_ حکیم ، محمد سعید . ( ۱۳۹۱ ش ) . توضیح المسائل عبادات و معاملات . قم : نشر مهر ثامن الانمه علیهم السلام

- ۵\_ خمینی ، سید روح الله . ( ۱۳۹۲ ش ) . استفتائات امام خمینی . جلد سوم ، قم : نشر موسسه ی تنظیم و نشر آثار امام
- ۶\_ خوبی ، ابوالقاسم . ( ۱۳۹۱ ش ) . احکام شرعی بانوان . قم : نشر دار الصدیقه الشهیده
- ۷\_ خوبی ، سید ابوالقاسم . ( ۱۴۳۲ ق ) . احکام جامع مسائل پزشکی . قم : نشر دار الصدیقه الشهیده
- ۸\_ دهخدا ، علی اکبر . ( ۱۳۷۳ ش ) . لغت نامه . تهران : نشر روزنه
- ۹\_ روحانی ، سید محمد صادق . ( ۱۳۷۸ ش ) . پاسخ های حضرت آیت الله العظمی روحانی به استفتائات فقه قضاییه و موسسه ی حقوقی وکلای بین الملل ، تهران : نشر حدیث دل
- ۱۰\_ سبحانی ، شیخ جعفر . ( بی تا ) . کتاب احکام بانوان . قم : نشر موسسه ی امام صادق
- ۱۱\_ صفایی ، سید حسین و امامی ، اسدالله . ( ۱۳۸۶ ش ) . مختصر حقوق خانواده ، تهران : نشر میزان
- ۱۲\_ فاضل موحدی لنکرانی ، محمد . ( ۱۳۸۳ ش ) . جامع المسائل ، قم : نشر امیر
- ۱۳\_ قمی ، شیخ عباس . ( بی تا ) . الغایة القصوی فی ترجمه العروة الوثقی . تهران : نشر مکتبه المرتضویة
- ۱۴\_ کاتوزیان ، ناصر . ( ۱۳۸۸ ش ) . قانون مدنی در نظم حقوق کنونی . تهران : نشر میزان
- ۱۵\_ کاتوزیان ، ناصر . ( ۱۳۸۹ ش ) . حقوق خانواده . تهران : شرکت سهامی انتشار
- ۱۶\_ کیانی ، عبدالله . ( ۱۳۸۸ ش ) . قانون مدنی و فتاوی امام خمینی قدس سره ، تهران : نشر سمت
- ۱۷\_ گلپایگانی ، سید محمد رضا . ( ۱۴۰۹ ق ) . مجمع المسائل . قم ، نشر دارالقرآن کریم
- ۱۸\_ محسنی ، محمد آصف . ( ۱۳۸۷ ش ) . نقش اسلام در عصر حاضر . کابل : بی نا
- ۱۹\_ مصباح یزدی ، محمد تقی . ( بی تا ) . نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام . قم : نشر موسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی ( ره )
- ۲۰\_ مکارم شیرازی ، ناصر . ( ۱۴۲۴ ش ) . کتاب نکاح . قم : نشر مدرسه امام علی بن ابی طالب
- ۲۱\_ هاشمی شاهرودی ، سید محمود . ( بی تا ) . فرهنگ فقه فارسی . قم : نشر موسسه ی دائرة المعارف فقه اسلامی
- ۲۲\_ یوسفیان ، نعمت الله . ( ۱۳۸۵ ش ) . احکام خانواده . تهران : نشر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پژوهشکده تحقیقات اسلامی
- ۲۳\_ محقق داماد ، سید مصطفی . ( ۱۴۰۶ ق ) . قواعد فقه . تهران : مرکز نشر علوم اسلامی
- ۲۴\_ نراقی ، احمد بن محمد مهدی . ( ۱۴۱۵ ق ) . مستند الشیعه فی احکام الشریعه . قم : نشر موسسه آل البیت علیهم السلام

## منابع عربی :

- ۱\_ ابن كثير ، اسماعيل . ( ۱۴۱۲ ق ) . تفسير ابن كثير . بيروت : نشر دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع
- ۲\_ خميني ، سيد روح الله . ( ۱۳۹۰ ش ) . تحرير الوصيله . تهران : موسسه ي تنظيم و نشر آثار امام خميني ( ره )
- ۳\_ سبزواری ، سيد عبد الاعلی . ( بی تا ) . جامع الاحكام الشرعيه . قم : نشر موسسه ي المنار
- ۴\_ شهيد ثانی ، زين الدين بن علی . ( ۱۴۱۰ ق ) . اللعه دمشقيه . قم : نشر كتاب فروشى داوری
- ۵\_ شهيد ثانی ، زين الدين بن علی . ( ۱۴۱۳ ق ) . مسلك الافهام الي تنقيح شرائع الاسلام . قم : نشر بنياد معارف اسلامي
- ۶\_ صاحب جواهر ، محمد حسن بن باقر . ( بی تا ) . جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام . بيروت : نشر دار احيا التراث العربي
- ۷\_ علامه حلی ، حسن بن يوسف . ( ۱۴۲۰ ق ) . تحرير الاحكام الشرعيه على مذهب الاماميه . قم : نشر مؤسسة النشر الإسلامي
- ۸\_ فاضل لنكرانی ، شيخ محمد . ( ۱۴۲۱ ق ) . تفصيل الشريعة كتاب نكاح . قم : نشر مركز فقه انمه اطهار
- ۹\_ قاضي بن براج ، عبد العزيز . ( ۱۴۰۶ ق ) . المهذب . قم : نشر مؤسسة النشر الإسلامي
- ۱۰\_ مرواريد ، علی اصغر . ( ۱۴۱۰ ق ) . الينابيع الفقهيه . بيروت : نشر دار التراث

## ساير منابع :

- ۱\_ احمدپور ، سميه ، ( ۱۴۰۳ ش ) ، «بررسی اندازه و ترتیب وجوب نفقه در نفقه ی اقارب» ، نشریه پژوهش و مطالعات علوم انسانی ، شماره ۶۷ ، صفحه ۳۹\_ ۵۳

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2244811/>

- ۲\_ بهره مند ، مهدی و عسکری ، محبوبه ، ( ۱۳۹۴ ش ) ، «نفقه از دیدگاه قرآن و روایات» ، نشریه مطالعات قرآنی ، شماره ۲۳ ، صفحه ۱۱۹\_ ۱۳۱

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1110889/>

- ۳\_ صادقی ، حسین ، ( ۱۳۹۷ ش ) ، «بررسی نفقه اقارب در نظام حقوقی ایران» ، نشریه مطالعات حقوقی ، شماره ۲۴ ، صفحه ۱۸۷\_ ۱۹۸

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1405360>

۴\_طهماسب پور ، ودیعه ، تقی پور ، محمد حسین و خانلری ، حسین ، ( ۱۴۰۴ ش ) ، «واکاوی وضعیت بیع موی طبیعی» ، نشریه آموزه های فقه مدنی ، مقاله پژوهشی آماده انتشار

DOI : <https://10.30513/CJD.2025.6965.2060>

[https://cjd.razavi.ac.ir/article\\_2088.html](https://cjd.razavi.ac.ir/article_2088.html)

۵\_فیروزگاہ ، زری ، ( ۱۴۰۲ ش ) ، «حق نفقه ی کودک در فقه با تاکید بر مسائل کیفی» ، نشریه فقه جزای تطبیقی ، شماره ۱۰ ، صفحه ۱۳۰\_۱۴۰

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2091630/>

۶\_کاظمی ، سید مهدی ، ( ۱۳۹۸ ش ) ، «مصادیق نفقه اقارب حصری یا تمثیلی» ، نشریه رای ، شماره ۲۸ ، صفحه ۱۲۱\_۱۲۹

DOI : <https://10.22106/JCR.2018.80874.1137>

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1838858/>

۷\_کریمی ، مریم و نوروزی ، سمیه ، ( ۱۳۹۸ ش ) ، «تفاوت نفقه زوجه و اقارب در فقه امامیه» ، نشریه پژوهش های فقهی زنان و خانواده ، شماره ۲ ، صفحه ۳۹\_۵۷

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1799182/>

۸\_کریمی ، مهرانگیز ، ( ۱۴۰۰ ش ) ، «مطالعه ی تطبیقی نفقه اقارب در قانون ایران و فقه عامه» ، نشریه ی حقوق و مطالعات سیاسی ، شماره ۱ ، صفحه ۱۶\_۲۷

DOI : <https://DOI.ORG/10.22034/JLPS.2021.102>

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2067197/>

**Abstract:**

Child maintenance in Imami jurisprudence and the Iranian legal system is a protective institution aimed at meeting the child's essential needs. Although the Civil Code specifies certain elements of relatives' maintenance, the inclusion of health and medical expenses—particularly psychological treatments and cosmetic surgeries—has not been explicitly clarified, leading to ambiguity and differing juristic and legal opinions. The present study examines the conditions under which physical and mental healthcare costs and cosmetic surgeries may fall within the scope of child maintenance.

Using a descriptive–analytical method and drawing on Imami jurisprudence, legal doctrine, and the Iranian Civil Code, this study offers a custom-oriented analysis of medical maintenance. Its originality lies in distinguishing between necessary medical expenses and purely luxury costs, with special attention to cosmetic surgery. The findings indicate that necessary medical expenses, the omission of which would cause hardship or endanger the child's physical or mental health, may be considered claimable maintenance, subject to the obligor's financial capacity. In contrast, non-essential expenses are generally excluded. The study concludes that, through an expansive and custom-based interpretation of legal rules and consideration of the child's best interests, certain health and medical expenses may be included within child maintenance.